

اثربخشی آموزش مهارت‌های جنسی بر نگرش جنسی زوج‌های در شرف ازدواج

اکرم دهقانی^۱ - پروانه محمدخانی^۲ - سید جلال یونسی^۳

چکیده

هدف از اجرای این پژوهش بررسی تأثیر اثربخشی آموزش مهارت‌های جنسی بر نگرش جنسی زنان و مردان در شرف ازدواج بود. در این پژوهش تأثیر تحصیلات و جنسیت بر نگرش جنسی بررسی شد. جامعه آماری این پژوهش شامل دختران و پسران شهر اصفهان است که قبل از ازدواج (به صورت اجباری) به مراکز آزمایش و مشاوره قبل از ازدواج وزارت بهداشت و درمان مراجعه کردند. دو گروه آزمایش و گواه از طریق نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. حجم هر گروه ۴۵ زوج بود. گروه آزمایش آموزش مهارت‌های جنسی طرح‌ریزی شده و گروه گواه آموزش برنامه‌ریزی شده وزارت بهداشت را دریافت می‌کردند. در مورد هر دو گروه قبل و بعد از کلاسهای آموزشی پیش‌آزمون و پس‌آزمون انجام شد. ابزار پژوهش، نگرش‌سنج پژوهشگر ساخته

۱- کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، دستیار آموزشی دانشگاه پیام نور گلپایگان
۲- دکترای روان‌شناسی بالینی، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
۳- دکترای روان‌شناسی بالینی، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

با ۲۹ «عبارت» بود که نگرش افراد را در سه بعد عاطفی، شناختی و رفتاری نسبت به مسائل جنسی می‌سنجید. پایایی نگرش‌سنج از طریق بازآزمایی ۰/۹۶ محاسبه شد. داده‌های پژوهش به کمک روش‌های آمار توصیفی، تحلیل واریانس و آزمون t تجزیه و تحلیل شدند. نتایج آزمون‌های دو نشان داد که دو گروه از نظر سنجی تحصیلات و سن تفاوت معناداری نداشتند. نتایج تجزیه و تحلیل آماری نشان داد که آموزش مهارت‌های جنسی بر گروه آزمایش تأثیر معناداری در مقایسه با آموزش‌های معمول مرکز بهداشت در گروه گواه ایجاد کرده است. میانگین گروه آزمایش در پس‌آزمون ۸۸/۴۴ و میانگین گروه گواه ۷۳/۱۳ بود. سطح نگرش گروه آزمایش با اختلاف معناداری (در سطح $P < 0/0001$) بیش از گروه گواه بود. با بالا رفتن مقطع تحصیلی، نگرش شرکت‌کنندگان با اختلاف معناداری افزایش می‌یافت ($P < 0/001$) و بیشترین میزان آن در مقاطع دانشگاهی بود (۴۳/۹۸ نگرش خوب). نگرش جنسی مردان با زنان اختلاف قابل توجهی نداشت و در مقاطع تحصیلی یکسان (بالای دیپلم، دیپلم و زیر دیپلم) از نظر آماری تفاوتی مشهود نشد. با استناد به نتایج پژوهش حاضر، تأثیر آموزش مهارت‌های جنسی بر نگرش جنسی افراد مطرح است و جایگزین کردن آموزش مهارت‌های جنسی در برنامه‌های مراکز بهداشت و مشاوره قبل از ازدواج به منظور آگاهی زوج‌ها از مسائل جنسی و پیشگیری از مشکلات جنسی و زناشویی، به مسئولان امر پیشنهاد می‌گردد.

کلید واژه‌ها: نگرش جنسی، آموزش مهارت‌های جنسی، زوج‌ها، ازدواج.

مقدمه

تمایلات و کشش‌های آدمی و همچنین کیفیت زندگی جنسی او به اندازه اصل زیستن پربار، متنوع و پیچیده است. با رشد و پیشرفت علوم رفتاری مطالعه رفتار جنسی بشر نظم ویژه‌ای به خود گرفت و در آثار جامعه‌شناسان، پزشکان و روانپزشکان به تدریج بررسی‌های دقیق علمی تحقق یافت. گزارش‌های کینزی (۱۹۵۲، ۱۹۴۸) و فعالیت‌های علمی مسترز و جانسون^۱ درباره رفتار جنسی مردان و زنان از جمله پژوهش‌های مهم در این

زمینه است. در سال ۱۹۹۵ در گردهمایی بین‌المللی جمعیت و توسعهٔ مسئولان بهداشتی همهٔ کشورها ملزم شده‌اند تا شرایط مناسب آموزش جوانان را در مورد مسائل جنسی (سالم، مسئولانه و لذت‌بخش) فراهم آورند، مسئولان بهداشت هر جامعه موظف هستند برآوردی اجمالی از آگاهی افراد جامعه در مورد مسائل جنسی داشته باشند، سپس آموزشهای مورد نیاز را تدوین کنند و به اجرا در آورند.

تنظیم برانگیختگی و رفتارهای پیچیدهٔ جنسی اکثراً با هیپوتالاموس است. از لحاظ عصب زیست‌شناختی شبکهٔ لیمبیک و پارالیمبیک در دریافت تحریکات جنسی از نورون‌های نورآدرنژیک و سروتونرژیک دخالت دارند. این نورون‌ها از لوکوس سورولوس در دستگاه عصبی مغز منشعب می‌شوند. کاهش سیناپس‌های نورآدرنالین و سروتونین احتمالاً در افسردگی و ناتوانی در دریافت نشانه‌ها و علامتهای جنسی سهیم هستند. در نتیجه افزایش سیناپس‌های نورآدرنالین یا دوپامین به افزایش واکنشهای جنسی می‌انجامد (باسون، ۲۰۰۳).

از آنجا که عوامل روان‌شناختی معمولاً سهم مهمی در فعالیت جنسی دارند و می‌توانند عملاً موجب بروز یا جلوگیری از آن شوند، در نتیجه مغز به‌طور مطلق برای انجام فعالیت جنسی ضروری نیست، زیرا تحریک تناسلی مناسب نیز می‌تواند بعد از قطع نخاع در بالای ناحیهٔ کمری موجب انزال شود؛ بنابراین فعالیت جنسی به وسیلهٔ تحریک روانی یا تحریک جنسی فعال می‌شود (گایتون، ۱۳۶۸).

نداشتن اطلاعات و دانش جنسی با افزایش آسیب‌پذیری فرد، زمینه‌ساز عدم کارکرد مطلوب جنسی است (بنکرفت^۱، ۱۹۸۹؛ زیلبرگلد^۲، ۱۹۷۸؛ مسترز و جانسون، ۱۹۷۰؛ هاتن^۳، ۱۹۸۵). پژوهش‌ها نشان‌دهندهٔ نداشتن اطلاعات کالبدشناختی به‌خصوص در بین افراد جوان است. دانش جنسی نسبت به جنس مخالف غالباً ضعیف و نادرست است (هاتن، ۱۹۸۵). عمدتاً منبع اطلاعات جنسی افراد از دوران کودکی تا بلوغ از طریق: فیلم، روزنامه، دوستان و تغییر و تحولات مربوط به بلوغ و اطلاعات افراد نسبت به این تحولات است. از آنجا که مخاطبان این منابع اقشار مختلف هستند و

1 – Bancroft

2 – Zilbergeld

3 – Hatten

مطالب و محتویات بدون در نظر گرفتن سن، جنس و فرهنگ ارائه می‌شوند تأثیرات انحرافی را در نگرش جنسی افراد ایجاد می‌کنند (تود، ۲۰۰۵). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که روابط والدین نوجوان در رابطه با موضوعات جنسی با نگرش نوجوان (دارلینگ و هیچک^۱، ۱۹۹۸) و رفتار جنسی نوجوانان مرتبط است (فیشر^۲، ۱۹۸۷). فیشر (۱۹۹۶) گزارش می‌کند فراوانی روابط و کیفیت روابط خانوادگی در بین اعضای خانواده با رفتار و نگرش جنسی نوجوانان مرتبط است.

نگرش مفهوم احساس خوب یا بد نسبت به یک کشش یا یک فرد یا موقعیت است و عبارت است از برداشت احساس یا اعتماد ثابتی که یک شخص نسبت به فرد، گروه، اندیشه، موقعیت یا یک شیء دیگر دارد. هر نگرشی سه عنصر شناختی، عاطفی و رفتاری در مقابل یک شیء یا یک گروه از اشیاء و اشخاص را شامل می‌شود (گنجی، ۱۳۸۳). در ایجاد و رشد نگرش‌ها فرهنگ تأثیر بسزایی دارد. تعلق به فرهنگ‌های مختلف بخشی از تفاوت نگرش‌ها را که در درون یک اجتماع دیده می‌شود، مشخص می‌کنند. خانواده به علت پی‌ریزی پایه‌های شخصیتی و تجربه‌های شخصی از موارد دیگر در کسب نگرش‌های متفاوت هستند (گنجی، ۱۳۸۳). هاتن (۱۹۸۵) اظهار می‌دارد که عملکرد و بازخوردهای متفاوت خانواده‌ها نسبت به مسائل جنسی (و مسائلی از قبیل سن، جنس، فرهنگ و اجتماع) رفتار جنسی و نگرش جنسی عمدتاً منفی را در افراد ایجاد کرده بود. فعالیت‌های کینزی (۱۹۴۰ به بعد)، مسترز و جانسون (۱۹۵۰ به بعد) و هلن کاپلان^۳ (۱۹۷۴) باعث چاپ مقالات زیادی در زمینه نگرش جنسی شد. انتشار کتابهایی در زمینه راهنمایی افراد برای اصلاح نگرش و برگزاری دوره‌های تخصصی در بسیاری از رشته‌های دانشگاهی اقداماتی بود که تا حدودی نگرش افراد را به مسائل جنسی بهتر و مثبت‌تر نمود (بونل و همکاران، ۲۰۰۵).

ارزیابی‌های انجام شده نشان می‌دهد که برنامه‌های «آموزش جنسی رسمی» دانش و آگاهی افراد را نسبت به مسائل زناشویی، شیوه‌های پیشگیری از اختلالات و مشکلات جنسی افزایش می‌دهد. براساس گزارش سازمان جهانی بهداشت برنامه‌های

1 – Darling & Hiche

2 – Fisher

3 – Kaplan, H

آموزش جنسی هم برای افرادی که هنوز فعالیت جنسی خود را آغاز نکرده‌اند و هم برای افرادی که فعالیت جنسی خود را آغاز کرده‌اند یک نیاز محسوب می‌شود (حسن‌زاده، ۱۳۸۴). یکی از وظایف روان‌شناسان و متخصصان بهداشت روانی آن است که به افراد در مورد مسائل جنسی اطلاعات لازم را ارائه کنند. افزایش کمیت و کیفیت آموزش جنسی در افزایش دانش افراد نسبت به پدیده‌های مربوط به جنس تأثیر می‌گذارد. بارون و برن^۱ (۲۰۰۴) و رایس و هرز^۲ (۱۹۸۹) خاطر نشان می‌کنند که نوجوانان و جوانان به اطلاعات دقیق و مناسب در مورد مسائل جنسی احتیاج دارند.

تغییر و اصلاح نگرش‌های جنسی به‌خصوص در درمان روان‌شناختی کاربرد زیادی داشته است. نکته اصلی در درمان کاهش و از بین بردن موانع کسب رضایت از روابط جنسی است. روان‌درمانگران رویکرد مستقیمی برای اصلاح نگرش‌های موجود دارند. در درمان نگرش، فضای عشقی لازم برای پاسخ‌های جنسی فیزیولوژی فراهم می‌شود (بریچر^۳، ۱۹۹۶ به نقل از کجیاف، ۱۳۷۸). در تغییر نگرش سه عنصر باید تغییر کند: ۱- عنصر شناختی: می‌توان اطلاعات تازه و متفاوت در اختیار افراد گذاشت. ۲- عنصر عاطفی: فرد باید تجربه‌های تازه کسب کند و احساساتی به‌دست آورد که او را در تغییر نگرش کمک می‌کند. ۳- عنصر رفتاری: افراد باید وادار شوند تا خلاف آنچه را که به آن توجه دارند انجام دهند (گنجی، ۱۳۸۳). در ایجاد نگرش جدید روان‌شناس ابتدا به نحوه نگرش خانواده در مورد مسائل جنسی و بررسی تجربیات آنها می‌پردازد، سپس با به‌دست آوردن تجربیاتی که درست نبوده و بر فرد تأثیر گذاشته است، سعی در برطرف کردن و جایگزین کردن آنها با نگرش جدید می‌کند (بریچر، ۱۹۹۶ به نقل از کجیاف، ۱۳۷۸).

در سالهای اخیر بیشتر فعالیتها در زمینه درمان و پیشگیری انجام شده است. از آنجا که یکی از طرق مهم تغییر رفتار ارزیابی نگرش است (اتکینسون، براهنی، ۱۳۸۴) در این فعالیتها نیز سعی عمده بر تغییر نگرش افراد است. در آموزشهایی که به‌منظور افزایش آگاهی و نگرش مثبت و همچنین جلوگیری از بیماریهای جنسی طرح‌ریزی

1 – Baron & Byrne

2 – Reis & Herz

3 – Brichear

شده سه هدف عمده مطرح بوده است: ۱- در آموزشهای مربوط به مسائل جنسی چه مطالبی باید آموزش داد؟ ۲- چه کسانی باید آموزش ببینند؟ ۳- از چند سالگی باید این آموزشها را شروع کرد؟ (سلی دی، ۲۰۰۰).

فعالیت به منظور آموزش مهارتهای جنسی در ایران نیز آغاز شده است. اولین قدم در آموزش، مطلع کردن افراد و سپس ایجاد نگرش و باور است که در نهایت منجر به تغییر رفتار می‌گردد. بارون و برن (۲۰۰۴) و رایس و هرز (۱۹۸۹) خاطر نشان می‌کنند که نوجوانان و جوانان به اطلاعات دقیق و مناسب در مورد مسائل جنسی احتیاج دارند. سالاری و همکاران (۱۳۸۴) در رابطه با شیوع اختلالات جنسی در زنان متأهل به این نتیجه رسیدند که اکثر خانمها دچار انواعی از مشکلات جنسی هستند. با توجه به وضعیت و اهمیت خانواده در یک جامعه و آمار نسبتاً بالای مسائل جنسی در بین زنان براساس نتایج مطالعه انجام شده، باید برنامه‌ریزی مسؤولان برای رفع خلأ موجود در زمینه آموزشهای ضروری قبل از ازدواج در رابطه با مسائل زناشویی باشد.

در زمینه آموزش جنسی باید به زیرساختهای فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی افراد توجه کرد. آموزش جنسی باید متناسب با سن، جنس و شرایط فرهنگی اجتماعی افراد، به موقع و به‌طور گسترده، دقیق و مناسب ارائه گردد (روسکو و کروگر، ۱۹۹۰). در بسیاری از مواقع مشکلات درباره نظام پاسخ جنسی و یا تصور نادرست از این مسائل است (بیگی، ۱۳۸۴). در رابطه با آموزش جنسی، فرایندهای شناختی و میزان درک و فهم افراد، می‌تواند در اجتناب از رفتارهای پرخطر اهمیت داشته باشد. افرادی که از توانایی شناختی بالاتری برخوردارند تدابیر بهداشتی بهتری برای جلوگیری از مشکلات جنسی اتخاذ می‌کنند (پنیکرتون و آبرامسون، ۱۹۹۲). این آموزشها به افراد کمک می‌کند تا در مورد روابط جنسی، آمیزش، بچه‌دار شدن، زمینه‌های مستعدکننده بیماریهای جنسی و مسائل زناشویی اطلاعات لازم را کسب کنند (فرزانه و رحمانی، ۱۳۸۴، بارون و برن، ۲۰۰۴). بونسل (۲۰۰۴) با برگزاری کارگاههای مشاوره قبل از ازدواج به ایجاد ارتباط جنسی سالم در تمامی جنبه‌ها برای بزرگسالان اقدام کرد. از آنجا که آموزشهای جنسی در مدارس و دانشگاهها اجرا نمی‌شود، بنابراین ضروری

است که افراد در این زمینه‌ها آموزش ببینند، چون دانش صحیح کافی منجر به ایجاد نگرش سالم نسبت به مسائل جنسی و رفتار مسؤولیت‌پذیر می‌شود.

فعالیت جنسی و جنسیت بخش مهمی از زندگی زناشویی است. فعالیت جنسی در خانواده یک فرایند لذت‌بخش و آرام‌بخش است. بسیاری از خانواده‌ها و زوجها بعد از آن احساس خوشایندی کرده و از نظر روان‌شناختی رضایت لازم را پیدا می‌کنند. در مواقع فشار روانی و تنش فعالیت جنسی به زنان و مردان کمک می‌کند که به‌نحو شایسته با عوامل فشارزا مقابله کرده و آن را از بین ببرند یا تأثیرات مخرب آن را کاهش دهند. در خانواده‌هایی که فعالیت جنسی رضایت‌بخشی وجود ندارد با انواع مشکلات جنسی روبه‌رو می‌شوند. آموزش جنسی جوانان یک جنبه حساس و مهم از یادگیریشان است. در گذشته برای هزاران سال مردان و زنان بدون هیچ‌گونه آموزش رسمی به فعالیت جنسی می‌پرداختند. شاید بتوان گفت در گذشته‌های دور و در جوامع غیرمتمدن آموزش جنسی بعد از ازدواج و از طریق کوشش و خطا آغاز می‌شد. باید خاطر نشان کرد که برای تحقق یک ازدواج موفق و درست آموزش جنسی سالم و مناسب یک عامل تعیین‌کننده و مهم تلقی می‌شود. امروزه با گسترش اختلالات و بیماری‌های جنسی، آموزش جنسی و برنامه‌های پیشگیری یک ضرورت به حساب می‌آید (سایت اینترنت^۱، ۲۰۰۵). براساس گزارش سازمان بهداشت جهانی برنامه‌های آموزش جنسی برای افرادی که هنوز فعالیت جنسی خود را آغاز نکرده‌اند یک نیاز محسوب می‌شود.

آموزش جنسی فرصت یادگیری مسائل جنسی و جلوگیری از بروز برخی مشکلات را فراهم می‌کند. افراد به دلایل متعدد از جمله شناخت ناکافی از یکدیگر، از مسائل جنسی و زندگی مشترک مشکلات متعددی را تجربه می‌کنند. آموزش جنسی در کسب اطلاعات و اندیشه‌ها و مهارت‌ها به افراد کمک می‌کند و به آنان اطلاعات و آگاهی‌هایی جنسی لازم برای یک هدف مشترک و ارضای نیازها و تعامل در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی را می‌دهد. برنامه‌های آموزش جنسی جامع در پیشگیری از اختلالات جنسی، رفتار جنسی سالم، رعایت بهداشت، ایجاد بهداشت روانی،

برقراری سلامت خانواده و کسب هویت جنسی مناسب مؤثر است (برایمن و همکاران، ۲۰۰۲؛ فرانکن، ۲۰۰۲؛ جاف^۱، ۱۹۹۸؛ سانتروک^۲، ۱۹۹۷؛ اسکیکدانزو و همکاران^۳، ۲۰۰۱). پژوهش‌های متعددی که در مورد ارائه آموزشها و آگاهی و ارتباط آن با تغییر نگرش انجام شده است نشان‌دهنده اهمیت عامل آموزش در ایجاد نوعی نگرش مثبت و صحیح نسبت به مسائل جنسی است. نکته قابل ذکر این است که آیا آموزش مهارت جنسی منجر به تغییر نگرش جنسی و ایجاد نگرش جدید در افراد می‌شود و از آنجا که مسائل جنسی و نگرش افراد به این مسائل، بخش مهمی در زندگی زناشویی است، آیا این آموزشها در بدو ورود به زندگی زناشویی باعث کاهش مسائل زوجها در این زمینه می‌گردد؟ بنابراین در این پژوهش فرضیه‌های زیر مطرح گردید:

- آموزش مهارتهای جنسی نگرش زوج‌های در شرف ازدواج، را نسبت به روابط جنسی تغییر می‌دهد.

- آموزش مهارتهای جنسی بر نگرش زوج‌های در شرف ازدواج، برحسب جنسیت تأثیر متفاوتی می‌گذارد.

- آموزش مهارتهای جنسی بر نگرش زوج‌های در شرف ازدواج برحسب میزان تحصیلات آنان تأثیر متفاوتی می‌گذارد.

روش

پژوهش حاضر از نوع آزمایشی است و با هدف بررسی میزان اثربخشی آموزش مهارتهای جنسی بر نگرش زوجها انجام گردیده است. برای پژوهش‌هایی از نوع آزمایشی حداقل ۳۰ نفر حجم نمونه در هر گروه توصیه می‌شود (دلور، ۱۳۸۱). جامعه آماری شامل دختران و پسران شهر اصفهان بود که قبل از ازدواج به مراکز آزمایش و مشاوره «ملاهادی سبزواری» مراجعه کرده بودند. آموزشها در این مرکز به صورت گروهی و همه روزه انجام می‌گیرد. از طریق نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای دو روز از روزهای هفته به طور تصادفی انتخاب شد و افراد مراجعه‌کننده در یک روز به عنوان

1 - Jaffe

2 - Santrock

3 - Schiekedanz, et al

گروه آزمایش و در روز دیگر به‌عنوان گروه گواه در نظر گرفته شدند. افراد نمونه برحسب سه عامل تعیین شدند: ۱- داشتن مذهب شیعه ۲- اولین ازدواج ۳- حداقل تحصیلات در حد خواندن و نوشتن. اگر فردی هر کدام از این شرایط را نداشت از نمونه حذف می‌شد. با در نظر گرفتن این سه شرط دو گروه ۴۵ زوجی انتخاب شد ($n = 180$).

جدول ۱- آزمون تفاوت میانگین دو گروه آزمایش و گواه در خصوص عامل سن

شاخص آماری	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار
گروهها				
آزمایش	۹۰	۲۳/۲۴	۳/۵۹	۰/۵۴
گواه	۹۰	۲۳/۲۱	۳/۳۴	۰/۴۹

$$t = 0/05 \quad df = 178 \quad P < = 0/05$$

دو گروه از نظر سن و تحصیلات مقایسه شدند که تفاوت معناداری مشاهده نشد. نتایج آزمون X^2 و t بیانگر هم‌تا بودن دو گروه آزمایش و گواه بود (جدولهای ۱ و ۲).

جدول ۲- آزمون مجذور خی در رابطه با وضعیت تحصیلی دو گروه آزمایش و گواه

تحصیلات گروهها	زیردیپلم (سواد خواندن و نوشتن)	دیپلم (از اول دبیرستان تا آخر)	دیپلم	جمع
آزمایش	۱۵	۴۶	۲۹	۹۰
گواه	۱۷	۴۹	۲۴	۹۰
جمع	۳۲	۹۵	۵۳	۱۸۰

$$X^2 = 0/91 \quad df = 2 \quad P < = 0/05$$

هر دو گروه مورد پیش‌آزمون قرار گرفتند. گروه آزمایش آموزش مهارت‌های جنسی را دریافت کردند. آموزشها در یک کارگاه یک‌روزه با موضوعات رابطه جنسی،

علايق و ترجیحات جنسی زنان و مردان، فیزیولوژی دستگاه تناسلی و اختلالات جنسی برگزار شد؛ سپس مورد پس‌آزمون قرار گرفتند، در حالی که گروه گواه در کلاس برنامه‌ریزی شده مرکز (با مباحثی درباره جمعیت و تنظیم خانواده) شرکت کردند و در پایان کلاس پس‌آزمون در مورد آنها اجرا شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها «نگرش‌سنج پژوهشگر ساخته جنسی» شامل ۲۹ عبارت بود. از آنجا که پرسشنامه‌ای که منظور پژوهش را برآورده سازد وجود نداشت، اقدام به تهیه و تنظیم نگرش‌سنج جنسی مطابق با فرهنگ شد. این نگرش‌سنج شامل سه مقیاس رفتاری، عاطفی و شناختی است (جدول ۳). زوج‌ها نظر خود را با گزینه‌های بله، تا حدودی و خیر مشخص می‌کردند. روایی نگرش‌سنج از طریق روایی وابسته به محتوا و با در نظر گرفتن عقیده متخصصان امر بررسی شد و پایایی نگرش‌سنج از طریق بازآزمایی ۰/۹۶ محاسبه گردید.

جدول ۳- مقیاسهای آزمون نگرش‌سنج و عبارات مربوط به هر مقیاس

کل	شماره عبارت	نوع مقیاس
۱۲	۲۸، ۲۵، ۲۴، ۲۰، ۱۸، ۱۶، ۹، ۵، ۴، ۳، ۱	عاطفی
۱۱	۲۳، ۲۲، ۲۱، ۱۹، ۱۷، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۱، ۷، ۲	شناختی
۶	۲۷، ۱۳، ۱۲، ۱۰، ۸، ۶	رفتاری (آمادگی برای عمل)

در این پژوهش ۹۰ نفر در گروه گواه شرکت داشتند. از بین ۹۰ نگرش‌سنجی که در بین گروه گواه توزیع شده بود به دلیل اینکه پیش‌آزمون و پس‌آزمون در یک روز بود میزان پاسخ‌دهی ۱۰۰ درصد بود. در مورد گروه آزمایش نیز به همین ترتیب ۹۰ نگرش‌سنج جمع‌آوری شد. داده‌های به‌دست آمده از این مطالعه وارد نرم‌افزار SPSS شد و با استفاده از جداول، نمودارها و شاخص‌های مرکزی و پراکنندگی توصیف شدند. به‌منظور تعیین اختلاف یا ارتباط بین زیرگروهها از تحلیل واریانس مانوا و آزمون آماری t استفاده شد. سطح معناداری آزمون نیز ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

نتایج

فرضیه ۱- آموزش مهارت‌های جنسی نگرش زوج‌های در شرف ازدواج را نسبت به روابط جنسی تغییر می‌دهد.

جدول ۴- تأثیر عضویت گروهی بر نگرش افراد نسبت به مسائل جنسی

متغیرها	شاخص‌های آماری	درجه آزادی	میانگین	فراوانی	معناداری	میزان تفاوت	توان آماری
میزان تحصیلات	۲	۱۳۳/۹۹	۶/۸۷	۰/۰۰۱	۰/۰۰۴	۰/۹۱۶	
پیش‌آزمون	۱	۶۵۲۳/۸۰	۳۳۱/۳	۰/۰۰۰	۰/۵۹۷	۱/۰۰۰	
عضویت گروهی	۱	۱۹۷۵/۹۱	۱۰۰/۳	۰/۰۰۰	۰/۵۵۶	۱/۰۰۰	
جنسیت	۱	۱۰۰/۶۱	۵/۱۱	۰/۰۲۵	۰/۰۱۲	۰/۶۱۳	
تعامل جنسیت و گروه	۱	۱/۸۱	۰/۰۹	۰/۷۶۲	۰/۰۰۲	۰/۰۶۰	
تعامل گروه و تحصیلات	۲	۳۲/۲۰	۱/۶۳	۰/۱۹۸	۰/۰۱۳	۰/۳۴۲	
تعامل جنس و تحصیلات	۲	۱۰/۰۳	۰/۵۱	۰/۶۰۲	۰/۰۰۷	۰/۱۲۳۰	
تعامل جنس و گروه و تحصیلات	۲	۹/۲۴	۰/۴۷	۰/۶۲	۰/۰۰۶	۰/۱۲۶	

دو گروه آزمایش و گواه از لحاظ تأثیر آموزش مهارت‌های جنسی مقایسه شدند (جدول ۴)، نتایج تفاوت معنادار آماری را نشان دادند ($F = ۱۰۰/۳۵$ با $P < ۰/۰۰$). نتیجه نشان می‌دهد که آموزشها بر تغییر نگرش جنسی شرکت‌کنندگان در پژوهش تأثیر داشته است (جدول ۵).

جدول ۵- میانگین نمرات باقی‌مانده دو گروه آزمایش و گواه

شاخص آماری	میانگین باقی‌مانده	خطای معیار	سطح اطمینان ۰/۹۵	گروهها
			حد پایین	حد بالا
آزمایش	۴۴/۱۷	۰/۵۳	۴۳/۲۰	۴۵/۱۳
گواه	۳۶/۸۵	۰/۵۰	۳۵/۸۶	۳۷/۸۲

فرضیه ۲- آموزش مهارت‌های جنسی بر نگرش زوج‌های در شرف ازدواج، برحسب جنسیت تأثیر متفاوتی می‌گذارد.

در این فرضیه به بررسی نمرات زنان و مردان و تفاوت آنها در نگرش جنسی پرداخته شد. با توجه به نتایج جدول ۴ و تجزیه و تحلیل آماری ($F = 5/11$) نتیجه گرفته شد که بین زنان و مردان در نگرش جنسی نسبت به مسائل جنسی تفاوت معناداری وجود ندارد و زنان و مردان تقریباً نگرش‌های یکسانی دارند (جدول ۶).

جدول ۶- میانگین نمرات باقی‌مانده زنان و مردان

شاخص آماری جنسیت	میانگین	خطای معیار	سطح اطمینان ۰/۹۵	
			حد پایین	حد بالا
مردان	۴۱/۵۵	۰/۴۰	۴۰/۵۶	۴۲/۵۳
زنان	۳۹/۴۷	۰/۳۸	۳۹/۴۸	۴۱/۴۶

فرضیه ۳- آموزش مهارت‌های جنسی بر نگرش زوج‌های در شرف ازدواج برحسب میزان تحصیلات تأثیر متفاوتی می‌گذارد.

براساس نتایج جدول ۴ بین تحصیلات آزمودنیها با نگرش آنها نسبت به مسائل جنسی ارتباط معناداری وجود دارد، بدین معنی که با بالا رفتن پایه تحصیلی نمرات نگرش سنج نیز بالاتر بود و بر عکس. بیشترین نمرات مربوط به کسانی بود که از تحصیلات بالاتری برخوردار بودند. پس فرضیه سوم این پژوهش با $F = 6/87$ محاسبه شده، تأیید شد ($P < 0/001$) و تفاوت بین گروهها از نظر آماری معنادار بود (جدول ۷) اما بین زنان و مردان با تحصیلات یکسان نیز تفاوتی مشاهده نشد.

جدول ۷- میانگین نمرات باقی‌مانده افراد بالای دیپلم، دیپلم و زیردیپلم در پس‌آزمون

شاخص آماری تحصیلات	تعداد	میانگین	خطای معیار	سطح اطمینان ۰/۹۵	
				حد پایینی	حد بالا
بالای دیپلم	۶۳	۴۳/۹۸	۰/۵۷	۴۳/۳۳	۴۱/۰۷
دیپلم	۸۴	۳۹/۸۳	۰/۴۹	۴۰/۸۰	۳۸/۸۷
زیردیپلم	۳۳	۳۵/۳۰	۰/۸۱	۳۷/۶۲	۳۴/۴۲

بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه ۱ آموزش مهارت‌های جنسی نگرش زوج‌های در شرف ازدواج، را نسبت به مسائل جنسی تغییر می‌دهد. با توجه به جدول ۴ آموزش مهارت‌های جنسی بر تغییر نگرش جنسی زوج‌ها مؤثر است. بررسی‌ها و مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که افزایش آگاهی و اطلاعات به افراد می‌تواند نگرش آنها را تغییر دهد. ایجاد تغییراتی در سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری، تغییراتی در نگرش آنها به وجود می‌آورد (گنجی، ۱۳۸۴). سلی دی (۱۹۹۹) توانست با برگزاری کلاسهای آموزشی در خصوص مسائل جنسی در بین جوانان آگاهی بیشتری در آنها ایجاد کند و در نتیجه نگرش آنها را تغییر دهد. از نظر بونسل (۲۰۰۴) از آنجا که آموزشهای جنسی در مدارس و دانشگاهها ارائه نمی‌شود، بنابراین ضروری است که افراد قبل از ازدواج آموزشهایی در این زمینه دریافت کنند، به اندازه‌ای که دانش صحیح کافی منجر به نگرش صحیح، ارتباط مؤثر و رفتار مسؤولیت‌پذیر شود. بونسل با برگزاری کارگاه آموزشی قبل از ازدواج نتیجه گرفت که آموزش باعث تغییر در موارد ذکر شده خواهد شد. سالیوان^۱ نشان داد که شرکت در کلاسهای آموزش جنسی خطر اختلال در عملکرد ازدواج را کاهش می‌دهد و افراد خطرپذیری کمتری برای مواجهه با مشکلات زناشویی خواهند داشت (اکبری، ۱۳۸۴). پینکرتون و آبرامسون (۱۹۹۲) در پژوهش خود نشان دادند که آموزش جنسی بر رفتار سالم مؤثر است. آموزش جنسی باعث درک و فهم بهتر افراد نسبت به مسائل جنسی می‌شود. بارون و برن (۲۰۰۴)، رایس و هرز (۱۹۸۹)، روسکو و کروگر (۱۹۹۰) در مطالعات خود به این نتیجه دست یافتند که برنامه‌های آموزش رسمی و مناسب می‌تواند در جهتگیری جنسیتی افراد سالم مؤثر باشد. کری و ویدرمن^۲ (۲۰۰۰) نیز با آموزش علایق و ترجیحات جنسی به زنان و مردان، نگرش مثبت‌تری نسبت به مسائل جنسی در آنها ایجاد کردند. حسن‌زاده (۱۳۸۴) در طی پژوهشی به این نتیجه رسید که برنامه‌های طرح‌ریزی شده در خصوص مسائل جنسی بر رفتار جنسی و نگرش جنسی سالم تأثیر می‌گذارد. آموزش جنسی یک فرایند دایمی است که به رشد جنسی سالم،

1 – Salivan

2 – Keery & Wiederman

بهداشت زناشویی، روابط نزدیک خوشایند و نقش‌های جنسیتی کمک می‌کند. آموزش جنسی اگر به‌موقع و به‌طور متناسب داده شود می‌تواند در مهار انگیزه‌های نامناسب جنسی، ایجاد رفتار جنسی سالم، کاهش مشکلات جنسی و پیشگیری از بیماری‌های جنسی نقش داشته باشد (اینترنِت، ۲۰۰۵؛ سانتروک، ۱۹۹۷).

فرضیه ۲- آموزش مسائل جنسی بر نگرش زوج‌های در شرف ازدواج، برحسب جنسیت تأثیر متفاوتی می‌گذارد. هاتفیلد^۱ و همکاران (۱۹۸۹) اشاره می‌کنند که زنان کمتر از مردان خود را درگیر مسائل جنسی می‌کنند، که البته همان‌طور که گنجی (۱۳۸۳) مطرح می‌کند این مسأله بیشتر بعد فرهنگی دارد. مردان و زنان در این نکته که مردان نظر مثبت‌تری در مورد مسائل جنسی داشته باشند، موافق بودند. محرابی و همکاران (۱۳۸۰) نیز عنوان می‌کنند که در ایران زنان بیشتر از مردان در مورد امور جنسی اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند و متوسط آگاهی آنها نیز کمتر از مردان بوده است. فاضلی (۱۳۸۴) نیز اشاره می‌کند که زنان در ایران به دلیل فرهنگ موجود و محدودیتها مشکلات زیادی در رابطه با مسائل و روابط جنسی دارند که نتایج این پژوهش‌ها با نتیجه پژوهش حاضر همسو نمی‌باشد. اما حسن‌زاده (۱۳۸۴) در پژوهشی تفاوت معناداری بین دانشجویان دختر و پسر از نظر مسائل جنسی مشاهده نکرد. در این مطالعه همانند پژوهش حاضر بین نگرش جنسی مردان و زنان تفاوتی مشاهده نشد. البته یکی از دلایل این امر سنجیدن نگرش مردان و زنان بود، زیرا در پژوهش‌های دیگر بیشتر به بعد آگاهی و اطلاعات زنان و مردان پرداخته شده بود.

فرضیه ۳- آموزش مهارت‌های جنسی به زوج‌های در شرف ازدواج، برحسب میزان تحصیلات تأثیر متفاوتی بر نگرش جنسی آنها ایجاد می‌کند. در این مطالعه نتیجه گرفته شد که تحصیلات بر نگرش جنسی تأثیر می‌گذارد و افراد با تحصیلات بالا نگرش جنسی متفاوتی با افراد دارای تحصیلات پایین داشتند و به‌طور کلی نگرش مثبت‌تری را در این پژوهش نشان دادند. راج و پولاک^۲ (۱۹۹۵) اشاره می‌کنند که تحصیلات بالاتر باعث آگاهی بیشتر می‌شود و در نتیجه آگاهی بیشتر، نگرش افراد متفاوت می‌شود. تود

1 – Hateffild

1 – Raj & Pollack

(۲۰۰۵) نیز در پژوهشی در رابطه با شرایط سنی و تحصیلی گروه نمونه به این نتیجه رسید که افزایش سن و تحصیلات آموزشگاهی سطح آگاهی افراد را بالاتر می‌برد و در افرادی با تحصیلات بالاتر نگرش مثبت به مسائل جنسی ایجاد می‌کند. همان‌طور که مشاهده می‌شود نتیجه این فرضیه با نتایج پژوهش‌های دیگر همسو است و تحصیلات بیشتر بر آگاهی و نگرش افراد نسبت به مسائل جنسی تأثیر می‌گذارد. به هر حال گزارش‌ها حکایت از آن دارد که چون آموزش جنسی برای همه افراد، چه زن و چه مرد، یک نیاز و ضرورت است؛ لذا باید برنامه آموزش جنسی الگوی جامع و کاملی باشد. چنین آموزشهایی باید متناسب با جنس، سن، سطح شناخت، زمینه اجتماعی - فرهنگی و در زمان مناسب ارائه شوند. فعالیت جنسی و جنسیت یک بخش مهم زندگی است. شاید در گذشته چنین رفتاری بر منابع سعی و خطا و نه براساس اطلاعات و دانش درست، صورت می‌گرفت. اما امروزه برای تحقق یک ازدواج موفق آموزش جنسی عامل تعیین‌کننده مهمی محسوب می‌شود. با گسترش بیماری‌های جنسی، افزایش اختلالات جنسی، افزایش میزان بروز بیماری‌های جنسی، بیماری ایدز و از این قبیل تأکید بر آموزش جنسی یک ضرورت است (سایت اینترنت، ۲۰۰۵).

در مورد ارائه اطلاعات و آموزش‌های مورد نیاز به افراد لازم است که پژوهش‌های دیگری در این زمینه با طرح‌های آموزشی دیگر برگزار شود و سرانجام طرح جامع و مناسب با فرهنگ از آنها استخراج شود و در مراکز بهداشت مورد استفاده قرار گیرد. بدیهی است آمادگی برای ازدواج از شرایط لازم ازدواج و ایجاد روابط زناشویی سالم به‌شمار می‌رود. بنابراین از مجموع مباحث می‌توان نتیجه گرفت که مسائل جنسی از یک سو امری است فردی و از سوی دیگر موضوعی اجتماعی است و مسئولان امر باید آموزش مسائل جنسی در کشور ایران را به‌عنوان یک مسأله بهداشتی و لازم برای افراد جامعه و به‌خصوص جوانان بدانند و تمهیداتی برای برگزاری آموزشها به شیوه‌ای راحت‌تر و آسان‌تر با کمک پژوهشگران ایجاد کنند.

منابع

- اتکینسون ریتال، اتکینسون ریچارد اس، هیلگارد ارنست. *زمینه روان‌شناسی*، ترجمه محمدتقی براهنی و همکاران، (۱۳۸۴)، تهران، انتشارات رشد.
- اکبری، اسماعیل و همکاران. (۱۳۸۲)، *سلامت روان، درکی نو، امیدوی نو*، کرمان، وزارت بهداشت و درمان آموزش پزشکی.
- آناستازی، ا. *روان‌سنجی*، ترجمه محمدتقی براهنی، (۱۳۷۱)، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ایرج، مهدی. (۱۳۸۰)، «آسیب‌زدایی و روان‌درمانی جنسی»، *تازه‌های روان‌درمانی*، سال سوم، شماره ۹ و ۱۰.
- بیگی، مرجان، (۱۳۸۴)، *نقش آگاهی جنسی در پیشگیری از اختلالات جنسی*، اصفهان، بیمارستان فوق تخصصی الزهرا.
- سالاری، مهناز. (۱۳۸۴)، *بررسی فراوانی نسبی اختلالات جنسی در زنان متأهل شهر یزد*، دانشکده پزشکی علی‌ابن‌ابیطالب یزد.
- حسن‌زاده، رمضان. (۱۳۸۴)، *تأثیر آموزش جنسی بر پیشگیری از اختلالات جنسی*، دانشگاه آزاد اسلامی ساری.
- رهنما، اکبر. (۱۳۸۰)، *بررسی تأثیر آموزش‌های حین ازدواج بر رضایت زناشویی گروهی از زوجین شهر تهران*، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.
- زاهدی، ماندانا. آذر ماهیار و یدالله محرابی. (۱۳۸۰)، *بررسی میزان آگاهی زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره ازدواج شمال و شرق تهران در مورد روبربط جنسی سالم*، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.
- کاپلان، هارولد و بنیامین سادوک. (۲۰۰۳)، «خلاصه روانپزشکی علوم رفتاری»، *روانپزشکی بالینی*، جلد دوم، ترجمه نصرت‌الله پورافکاری، تبریز، شهر آب.
- کجیاف، محمدباقر. (۱۳۷۸)، *روان‌شناسی رفتار جنسی*، (نظریه‌ها و دیدگاهها)، تهران، نشر روان.
- گایتون، آرتور. *فیزیولوژی بدن انسان*، جلد دوم، ترجمه گروه فیزیولوژی دانشگاه تبریز، (۱۳۶۸)، انتشارات ذوقی.
- گنجی، حمزه. (۱۳۸۳)، *روان‌شناسی کار*، تهران، نشر ساوالان.

AIKEN, R. (1991). "Psychological testing and assessment", seventh ed.

- BASSON, ROSEMARY. (2003). "Sex and partner of sex. Sexual and relationship of thrapy", Vol 15 .
- BERRYMAN, J.C., SYMTH, P.K., TAYLOR, A., LAMONT, A., and JOINER, R. (2002). "Developmental psychology and you". By BPS Blackwell, PP 9 – 257 .
- BHONSLE, RAJAN. (2004). "Heart of heart".
- BONELL, E., ALLEN, V., STRANG, A. COPASS. (2005). "Journal of epidemiology and community health": 223 – 230 .
- CORSINI, RAYMOND. (2001). "Handbook of innovative thrapy", second edition wily & sons.
- CROW, M. & JONET, M. (1992) . "Sex thrapy: the successes, the failures, the future British", Journal of hospital Medicine.
- DUDDLE, M. (1977) . "Etiological factors in the unconsummated marriage", Jornal of consulting and clinical psychology.
- EYSENEK, H.J. & WILSON, GLENN. (1988). "Know your own personality". Printed in great Britain by hazel Watson & viny.
- FLSCHER, JOEL. & CORCORAN, KEVIN. (1998). "Measares of clinical practice". Second edition.
- FRANKEN, R.E. (2002). Human motivation by wadsworth and Thomson learning. PP 8 – 296 .
- HOOPER, ANNA. (2000) . "Cd of Hoopet's"
- KINSEY. (2000) . "History and concept of sexology". The kinsy institute for research in sex.
<http://ww.indiana.edu/~kinsey/sexology.htm>.
- MEGEEIRL, KERRY. & WIDERMAN, MICHEAL. (2000). "Characteristics of the ideal sex partner". Jornal of sex & marital thrapy. Vol: 29 .
- PAPINI, D.R., FARMER, F.L., CLARK, S.M. & SNELL, W.E., IR. (2002). "New direction in the psychology of human sexuality" chapter 25 .

- PINKERTON, S.D. and ABRAMSON, P.R. (1992). "Is risky sex rational?"
Journal of sex research. 29,561 – 568.
- S.L. WONG ALAN. (2000). "What should be taught in sex education",
[http://www.geocities.com/hearland /Runch/Reaed/.htm](http://www.geocities.com/hearland/Runch/Reaed/.htm).
- SNELL, RICHARD. (1990). "Clinical anatomy or medical student". The
perineum little, Brown and company boston/Toronto-third edition.
- STARN, RICHARD., DRUMMOND, LGNNE. (2000). "The practice of
behavioural and cognitive psychotherapy".
- TOOD, STEVEN. (2005). <http://www.Klienwachrer.com>

تاریخ وصول: ۸۵/۶/۸

تاریخ پذیرش: ۸۵/۸/۲۴

